

اروپا در پی گسترش ناآرامی‌ها، روسیه را متهم به مداخله جویی کرد؛

اعتراضات؛ جبهه تازه تنش میان مسکو و بروکسل



رامین پرتو

تنش میان روسیه و کشورهای اروپایی با گسترش اعتراضات اجتماعی وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ مرحله‌ای که در آن، مطالبات اقتصادی و اجتماعی شهروندان با رقابت‌های ژئوپلیتیکی گره می‌خورند. هم‌زمان با اعتراضات در فرانسه، اسپانیا، ایتالیا و چند کشور دیگر، اتهام‌هایی درباره نقش روسیه در تحریک ناآرامی‌ها مطرح شده است؛ اتهام‌هایی که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، آن‌ها را بی‌اساس دانسته و مقام‌های مسکو نیز بر ضرورت کنار گذاشتن ادبیات تقلیل تأکید کرده‌اند.

اهمیت این تحولات صرفاً به گسترش تجمعات خیابانی محدود نیست. پرسش اساسی آن است که چرا نارضایتی‌هایی بانمناشأ اقتصادی و اجتماعی به موضوعی امنیتی تبدیل شده‌اند و چگونه اختلاف بر سر مسئولیت این اعتراضات می‌تواند مناسبت مسکو و بروکسل را بیش از پیش تیره کند؟

ریشه‌های داخلی اعتراضات

اعتراضات اخیر اروپا از نارضایتی‌های مرتبط با آموزش آغاز شده و به مطالباتی گسترده‌تر درباره هزینه‌های زندگی، مسکن و تخصیص منابع عمومی گسترش یافته است. در فرانسه، کمبود بودجه مدارس، فرسودگی ساختمان‌ها، کمبود نیروی انسانی و فشار کاری از عوامل نارضایتی معرفی شده‌اند. در اسپانیا، هزینه سنگین

مسکن و ضعف حمایت از مستأجران در کانون اعتراضات قرار دارد. در ایتالیا نیز تغییر مسیر منابع به سوی تسلیح مجدد افزایش هزینه‌های نظامی با مخالفت‌هایی روبرو شده است. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد اعتراضات به یک مسئله واحد محدود نیستند؛ با این حال، وجه اشتراک آن‌ها می‌توان در احساس نارضایتی از اولویت‌های دولت‌ها جست‌وجو کرد. هنگامی که هزینه مسکن از توان مالی خانوارها فراتر می‌رود، خدمات آموزشی با کمبود منابع مواجه می‌شود و دستمزدها پاسخ‌گوی هزینه‌های زندگی نیستند، اعتراض به یک مطالبه محدود ممکن است به مخالفت گسترده‌تر با شیوه‌داره کشور تبدیل شود.

تحلیل مطرح‌شده در وب‌سایت مورنینگ‌استار بر نقش ساختار اقتصادی نئولیبرالیستی تأکید دارد؛ ساختاری که از نگاه منتقدان، در تشدید نابرابری، محدود شدن ظرفیت خدمات عمومی و نحوه تخصیص منابع نقش دارد. این دیدگاه همچنین افزایش هزینه‌های نظامی را در تضاد با نیازهای اجتماعی قرار می‌دهد؛ دولت‌هایی که وعده تقویت توان دفاعی می‌دهند، ممکن است در تأمین منابع آموزش، مسکن و زیرساخت‌ها با محدودیت مواجه شوند.

البته نمی‌توان تمام مشکلات کشورهای اروپایی را به یک الگوی اقتصادی واحد نسبت داد. تفاوت‌های ملی، تصمیم‌های دولت‌ها، وضعیت بازار کار و شرایط مالی عمومی نیز اهمیت دارند. با این حال، شباهت مطالبات معترضان این پرسش را بر جسته می‌کند که آیا

چرا اروپا روسیه را متهم می‌کند؟

اتهام مداخله روسیه را باید در بستر روابط پر تنش مسکو و کشورهای اروپایی بررسی کرد. جنگ اوکراین، اختلاف‌های امنیتی و رقابت سیاسی، فضای بی‌اعتمادی را تشدید کرده‌اند. در چنین شرایطی، دولت‌های اروپایی

اتهام مداخله روسیه در اعتراضات اروپا را باید در بستر روابط پر تنش مسکو و کشورهای اروپایی بررسی کرد.
جنگ اوکراین، اختلاف‌های امنیتی و رقابت سیاسی، فضای بی‌اعتمادی را تشدید کرده‌اند که در چنین شرایطی، دولت‌های اروپایی ممکن است اختلافات بهره‌برداری روسیه از اختلاف‌های داخلی را جدی بگیرند

ممکن است احتمال بهره‌برداری روسیه از اختلاف‌های داخلی را جدی بگیرند؛ زیرا قدرت‌های رقیب می‌توانند از شکاف‌های اجتماعی برای تضعیف انسجام سیاسی طرف مقابل استفاده کنند.

با این حال، میان بهره‌برداری خارجی از اعتراضات و سازمان‌دهی مستقیم آن‌ها تفاوت اساسی وجود دارد. انتشار محتوای جهت‌دار یا حمایت تبلیغاتی از جریان‌های سیاسی، در صورت اثبات، لزوماً به معنای ایجاد نارضایتی‌های اولیه یا هدایت میدانی اعتراضات نیست. اثبات مداخله سازمان یافته به شواهد مشخص درباره ارتباطات، تأمین مالی یا هماهنگی عملیاتی نیاز دارد. هم‌زمانی اعتراضات با تنش‌های ژئوپلیتیکی به تنهایی برای نتیجه‌گیری قطعی کافی نیست. در داده‌های رسانه‌ای آمده است که نهادهای تنظیم‌گر اتحادیه اروپا درباره فعالیت اینفلوئنسرهای ادعایی طرفدار کرملین تحقیق می‌کنند. انجام تحقیقات، خود به خود دخالت روسیه را اثبات نمی‌کند. ارزیابی این ادعاها مستلزم بررسی شواهد و تفکیک فعالیت رسانه‌ای از تحریک مستقیم خشونت یا سازمان‌دهی اعتراضات است. همچنین، اعتراض مسالمت‌آمیز باید از اقداماتی مانند تخریب اموال عمومی، آتش‌زدن خودروها و درگیری با پلیس متمایز شود.

در کنار ملاحظات امنیتی، انگیزه‌های سیاسی داخلی نیز اهمیت دارند. متهم کردن یک قدرت خارجی می‌تواند به دولت‌ها امکان دهد نارضایتی عمومی را در چارچوب رقابت‌های بین‌المللی توضیح دهند؛ از فشار افکار عمومی برای پاسخ‌گویی درباره مشکلات داخلی بکاهد. اگر چنین رویکردی جایگزین بررسی علل اجتماعی شود، خطر تعمیق بی‌اعتمادی شهروندان افزایش می‌یابد.

پوتین در اظهاراتی تلویزیونی، اتهام تحریک اعتراضات از سوی روسیه را دور از واقعیت توصیف کرده و گفته است مقام‌های اروپایی به جای تحلیل تحولات، به دنبال معرفی مقصر هستند. این موضع، روایت رسمی مسکو را بازتاب می‌دهد؛ اما در اتهامات از سوی رئیس‌جمهور روسیه نیز به تنهایی نبوده هر گونه مداخله را اثبات نمی‌کند. ارزیابی معتبر باید بر شواهد مستقل و قابل بررسی استوار باشد.

احتمال تشدید تنش؟

با توجه به مواضع اعلام‌شده، احتمال تشدید تنش سیاسی میان روسیه و دولت‌های اروپایی وجود دارد. اگر مقام‌های اروپایی اعتراضات را بخشی از عملیات نفوذ روسیه معرفی کنند، ممکن است نظرات‌ها، محدودیت‌های رسانه‌ای یا فشارهای دیپلماتیک افزایش یابد. در مقابل، مسکو نیز می‌تواند این اتهامات را نشانه سیاست خصمانه اروپا بداند و بر مسئولیت دولت‌های اروپایی در شکل‌گیری بحران‌های داخلی تأکید کند. چنین روندی خطر شکل‌گیری چرخه‌ای از اتهام‌زنی

اگر مقام‌های اروپایی اعتراضات را بخشی از عملیات نفوذ روسیه معرفی کنند، ممکن است نظرات‌ها، محدودیت‌های رسانه‌ای یا فشارهای دیپلماتیک افزایش یابد؛ در مقابل، مسکو نیز می‌تواند این اتهامات را نشانه سیاست خصمانه اروپا بداند و بر مسئولیت دولت‌های اروپایی در شکل‌گیری بحران‌های داخلی تأکید کند

مقابل را افزایش می‌دهد. در این وضعیت، هر طرف رفتار طرف مقابل را دلیلی برای بی‌اعتمادی بیشتر تلقی می‌کند و فرصت گفت‌وگو کاهش می‌یابد. اعتراضات داخلی نسبی ممکن است به آزاری در رقابت ژئوپلیتیکی تبدیل شوند و وضعیتی که لزوماً به حل مطالبات معترضان کمک نمی‌کند.

اظهارات ماربارا زاخارووا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه، درباره باز بودن درهای مسکو به روی سیاستمداران اروپایی خواهان حفظ روابط، نشان می‌دهد که روسیه در موضع رسمی خود امکان گفت‌وگو را منتفی نمی‌داند. او از کشورهای اروپایی خواسته است ادبیات تقلیل را کنار بگذارند و به همکاری سازنده روی آورند. با این حال، تحقق این مسیر به اقدامات عملی دو طرف و آمادگی آن‌ها برای کاهش بی‌اعتمادی وابسته است.

پرسش نهایی این است که آیا ساختار اقتصادی اروپا عامل اصلی اعتراضات است یا روسیه در ایجاد آن‌ها نقش دارد؟ بر اساس اطلاعات موجود، شواهد مستقل و مشخصی که دخالت سازمان یافته روسیه در طراحی یا تحریک مستقیم اعتراضات را اثبات کند، ارائه نشده است.

در مقابل، مطالبات مرتبط با آموزش، مسکن، هزینه‌های زندگی، بودجه نظامی، زمینه‌های داخلی قابل شناسایی برای نارضایتی عمومی هستند. این مسئله اهمیت عوامل ساختاری را برجسته می‌کند، اما به تنهایی ثابت نمی‌کند که هیچ بازیگر خارجی از شرایط موجود بهره‌برداری نکرده است. بنابراین، باید میان علت شکل‌گیری اعتراضات و احتمال مداخله خارجی تمایز گذاشت. بحران‌های اقتصادی و اجتماعی می‌توانند بستر نارضایتی را ایجاد کنند و بازیگران خارجی نیز ممکن است برای تأثیرگذاری بر فضای سیاسی تلاش کنند؛ اما اثبات هر کدام به بررسی جداگانه نیاز دارد.

در نهایت، کاهش تنش مستلزم پذیرش خودکار روایت هیچ‌یک از طرفین نیست. دولت‌های اروپایی باید به مطالبات اجتماعی پاسخ دهند و ادعاهای امنیتی خود را مستند کنند؛ روسیه نیز باید در برابر اتهامات مشخص، امکان بررسی شفاف شواهد را بپذیرد. تازمانی که بحران اعتماد عمومی و اختلاف‌های ژئوپلیتیکی هم‌زمان ادامه دارند، اعتراضات اروپا می‌توانند به کانون نارضایتی اروپایی سیاسی تبدیل شوند؛ و یارویی‌ای که هزینه‌های آن پیش از همه متوجه شهروندانی خواهد بود که خواهان خدمات عمومی بهتر، مسکن قابل استطاعت و امنیت اقتصادی هستند.

خبر

حمله مسلحانه به نمازگزاران در نیجریه با ۲۰ کشته



شمارش شده و شماری از ساکنان نیز همچنان مفقود هستند. در مقابل، پلیس نیجریه اعلام کرد که تا شامگاه جمعه ۱۰ جسد را از محل حادثه خارج کرده است؛ آماری که کمتر از رقم اعلام‌شده از سوی بازماندگان است. یک مقام محلی گفت مهاجمان با حدود ۵۰ موتورسیکلت وارد روستا شدند و هر موتورسیکلت دو سرنشین داشت. مهاجمان همچنین شماری از فروشگاه‌ها را غارت کردند و پول، مواد غذایی، آذوقه و موتورسیکلت‌هایی را که ساکنان هنگام فرار رها کرده بودند، به سرعت بردند. سازمان عفو بین‌الملل در واکنش به این حمله،

در پی حمله افراد مسلح به روستایی در شمال‌شرق نیجریه، دست کم ۲۰ نفر کشته شدند؛ این حمله در حالی است که پلیس از کشف ۱۰ جسد تاکنون خبر داده است. بازماندگان این حمله به خبرگزاری فرانسه گفتند افراد مسلح پس از اقامه نماز جمعه و با استفاده از موتورسیکلت وارد روستای «بیناری» در شمال شرق نیجریه به شدند و به سوی ساکنان تیراندازی کردند. این حمله موجب وحشت مردم و فرار آنان به مناطق اطراف شد. یکی از شاهدان نیز اعلام کرد که پس از خروج مهاجمان، بیش از ۲۰ جسد

وزیر دفاع انگلیس: ۱۰۰۰ روز وقت داریم برای جنگ آماده شویم!



«اولویت تعیین کننده من این است که مطمئن شوم این کشور آماده جنگیدن و پیروز شدن در یک جنگ است.» وی در ادامه با تکرار ادعاهای پیشین، مقاومت غربی افزود: «برای جلوگیری از بدترین اتفاق، باید برای آن آماده شویم. در وهله اول، این به معنای گسترش توانمندی‌های ما است تا دشمنان مادر مورد حمله به‌ماخوب‌فکر بمانند. اگر این بازدارندگی شکست بخورد،

وس استریتینگ، وزیر دفاع انگلیس، با اشاره به ادعای تقویت توان نظامی روسیه برای دست زدن به حملات علیه کشورهای ناتو، مدعی شد که لندن تا سال ۲۰۳۰ فرصت دارد تا توان دفاعی خود را در کنار متحدان ناتو برای آمادگی برای چنین سناریویی ارتقا دهد. استریتینگ که در دولت فعلی حزب کارگردن لندن عهده‌دار وزارت دفاع است، در این یادداشت نوشت:

جهان نما

۴ انتخابات در ۳ قاره؛

جهان در دوراهی

اقتدارگرایی و دموکراسی

چهار انتخابات در چهار قاره و بازه‌ای ۱۰ روزه می‌تواند سیاست جهانی را عمیقاً بازآرایی کند، جهان را در مسیر اقتدار گرایانه کنونی آن پیش ببرد یا نشانه‌ای از بازگشت محدود هنجارهای دموکراتیک باشد. در هر چهار رقابت، هنجارهای پایه دموکراتیک در خطرند.

بر اساس گزارش موسسه وی-دم در سوئد، آزادی‌های دموکراتیکی که شهروندان جهان از آن بهره‌مند هستند، به سطحی معادل آنچه در ۱۹۷۸ قرار داشت، رسیده است—یعنی مدت‌ها پیش از فروپاشی دیوار برلین و فروپاشی کمونیسم در اروپا. انتخابات در این چهار قاره با این روند آ متوقف می‌سازد یا موجب تقویت آن می‌شود. احزاب طرفدار دموکراسی با اقتدار گرایان کنونی یا اقتدار گرایان در آرزوی قدرت در رقابت تنگاتنگ قرار دارند که نتایج آن احتمالاً تأثیری فراتر از این مناطق خواهد داشت.

رقابت‌های انتخاباتی در اراضی اشغالی، ایالات متحده آمریکا، برزیل و صربستان از تباط تنگاتنگی باهم دارند؛ جنبش ماگا-پایگاه حامیان ترامپ-از ووجه، نتانیا‌هو و بولسونارو حمایت کرده است؛ بولسونارو به شدت حامی رژیم صهیونیستی است؛ آمریکا حامی نظامی اصلی رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود و صربستان با رژیم صهیونیستی روابط نظامی دارد که اخیراً به خریداری سامانه‌های پدافندی این رژیم به ارزش ۲ میلیارد دلار منجر شده است. پیروزی راست‌گرایان اقتدار گرا در یکی از این رقابت‌های انتخاباتی به امید و تشویق متحدانشان در دیگر نقاط جهان می‌انجامد.

برزیل با شاخص دموکراسی ۲۸اموز (یکشنبه) دور دوم انتخابات ریاست جمهوری را برگزار می‌کند و فلاویو بولسونارو، نامزد از جناح راست افراطی پیشتان است. او تهدید کرده است که در صورت پیروز شدن قانون اساسی را تغییر می‌دهد، پدرش را به دلیل برنامهریزی برای کودتا عفو و محدودیت‌های زیست‌محیطی را که مسئله‌ای حیاتی برای جنگل آمازون است، تسهیل خواهد کرد.



این کشور از زمان روی کار آمدن لوئیس ایناسیو لولا داسیلو در ژانویه ۲۰۲۳ شاهد احیای دموکراتیک بوده است و طبق ارزیابی موسسه وی-دم، اکنون اعتبار دموکراتیک بهتری از انگلیس و بسیاری بهتری از آمریکا دارد. لولا داسیلو در انتخابات اکتبر ۲۰۲۲ تأثیر بولسونارو، رئیس‌جمهور راست افراطی پیشین را شکست داد. ژانیر بولسونارو به دلیل تلاش برای کودتا به ۲۷ سال زندان محکوم شده است. با این حال، فلاویو بولسونارو، پسرش، در دور دوم انتخابات یکشنبه با اختلافی کم از لولا پیشتان است.

او وعده داده است که پدرش را آزاد کند، کارکنان قوه قضائیه را که در محاکمه پدرش نقش داشتند، مجازات کند، قانون اساسی را تغییر دهد. بولسونارو همچنین در کارزارهای انتخاباتی خود به سیاست‌های سختگیرانه مقررات و نظم اجتماعی برای مقابله با جرم و جنایت اشاره کرده و برای کاهش سن مسئولیت کیفری به زیر ۱۸ سال، زندانی کردن نوجوانان و اصلاحات قضایی استدلال‌هایی را مطرح کرده است. منتقدانش می‌گویند او قصد دارد استقلال دادگاه‌ها را هدف بگیرد.

دیروز صربستان با شاخص دموکراسی ۱۱۲ نیز انتخابات خود را برگزار کرده است که الکساندر ووچیچ، رئیس‌جمهور پیشین این کشور نیز که ۱۲ سال گذشته این کشور را اداره کرده است و با جنبش اعتراضات دانشجویی مواجه است، باز هم نامزد شده است. نامزدی دوباره ووچیچ در شرایطی انجام می‌شود که به‌نوشته گاردین، فضای سیاسی دموکراتیک صربستان در مدت حکمرانی ووچیچ به شدت تضعیف شده است، چرا که او متحدانش تقریباً تمام شبکه‌های پخش کشور را در اختیار گرفته‌اند و حزب حاکم وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی را به ابزار سیاسی تبدیل کرده است.

اگرچه خیزشی مردمی که طی سال‌های گذشته در اعتراض به فرو ریختن ستاپان بئتی ایستگاه قطار در نووی ساد شکل گرفت، تاکنون پا برجا مانده و اکنون فهرست کاملی از نامزدها را در برابر حزب حاکم ارائه کرده است. در این جنبش، تصمیم‌ها برای مجامع عمومی گرفته می‌شود و رهبر مشخصی ندارد. این جنبش در رقابت انتخاباتی امروز باید قالب سیاست صربستان و به‌ویژه تسلط ووچیچ بر پایگاه وفادارش در نقاط روستایی را بشکند.

سه‌شنبه نیز نوبت بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل است که برای انتخابات سراسری اسرائیل بار دیگر نامزد شده است. او ۱۹ سال از ۳۰ سال فعالیت سیاسی خود رهبری اسرائیل را بر عهده داشته است که با دوره‌های طولانی از پسرقت دموکراتیک و نقض‌های فراپنده حقوق بشر همراه بوده است. او به دلیل جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در غزه از سوی دیوان کیفری بین‌المللی محکوم شده و تحت تعقیب است. نتانیا‌هو در صورت شکست در انتخابات با مخاطرات حقوقی بیشتری در داخل مواجه خواهد شد.

دموکراسی در اسرائیل که شاخص دموکراسی آن ۴۸ است، همواره ناقص بوده است؛ فلسطینی‌های سرزمین‌های اشغالی از حق رای یا بسیاری دیگر از حقوق برخوردار نیستند. این در حالی است که شهر کن‌شیتان اسرائیلی این سرزمین‌ها در همسایگی آن‌ها شهروند کامل تلقی می‌شوند و پشتیبانی حیاتی برای دولت ائتلافی راست افراطی نتانیا‌هو هستند.

و اما آمریکا ریاست جمهوری به سبک امپراتوری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در سوم نوامبر با انتخابات میان‌دوره‌ای این کشور مواجه می‌شود که طبق نظر منسجی‌ها، حزب جمهوری خواه او به دلیل عملکردش با افت محبوبیت مواجه است—وضعیتی که احتمال کنترل دموکرات‌ها بر مجلس نمایندگان و مجلس سنا در نتیجه انتخابات پیش رو را تقویت می‌کند.

خبر

هاآرتص: انتخاب مجدد نتانیا‌هو ویرانگر خواهد بود



هاآرتص با حمله تند به نخست‌وزیر اسرائیل، نیست به پیامدهای مخرب تداوم سیاست‌های کلبنه‌وی برای اقتصاد و جایگاه بین‌المللی اسرائیل هشدار داد و تأکید کرد: «خطر انتخاب مجدد نتانیا‌هو هرگز تا این اندازه بزرگ و ویرانگر نبوده است». این روزنامه با اشاره به نگرانی‌ها درباره احتمال اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه نظام بانکی اسرائیل، اظهارات اخیر نتانیا‌هو در این زمینه را عاملی برای تشدید نگرانی‌ها در محافل اقتصادی و بانکی دانست و هشدار داد که تداوم تنش‌های سیاسی و دیپلماتیک می‌تواند آسیب‌پذیری اقتصاد اسرائیل را افزایش دهد و پیامدهای مستقیمی

برای سطح زندگی ساکنان سرزمین‌های اشغالی به همراه داشته باشد. هاآرتص همچنین تأکید کرد، نتانیا‌هو برای حفظ موقعیت سیاسی خود، تداوم ائتلاف با متحدان راست‌افراطی‌اش، از جمله اپتامار بن‌گوریر، وزیر امنیت داخلی، و بتصلل اسموئیل، وزیر دارایی، را بر ملاحظات اقتصادی و دیپلماتیک ترجیح می‌دهد. به‌نوشته این رسانه، انتخاب مجدد نتانیا‌هو می‌تواند تاب‌آوری اقتصادی اسرائیل را بیش از پیش تضعیف کند و به تشدید انزوای بین‌المللی آن بینجامد. انتشار این گزارش در شرایطی صورت می‌گیرد که نتانیا‌هو در آستانه انتخابات کنست (پارلمان) با انتقادهای داخلی درباره تشدید

روسیه تاریخ از سرگیری مذاکرات اوکراین را اعلام کرد



یوری اوشاکوف، دستیار کرملین (یکشنبه) در مصاحبه‌ای با پاول زاروین، روزنامه‌نگار برجسته روسی عنوان کرد: روسیه آماده بود تا مذاکرات را پس از انتخابات دومی دولتی که از ۱۸ تا ۲۰ سپتامبر برگزار شد، از سر بگیرد اما اوکراین این ترتیب را مخیل کرد. دستیار ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در ادامه تأکید کرد: مهلت بعدی ۴ نوامبر

است، یک تعطیلات بزرگ برای ما. پس از آن، ما آماده‌از سرگیری مذاکرات خواهیم بود. روسیه در ۴ نوامبر روز وحدت ملی را جشن می‌گیرد و اوشاکوف روز جمعه گفت که باوطبی، پایتخت امارات متحده عربی به عنوان محل بالقوه‌ای برای رایزنی‌های سه‌جانبه در نظر گرفته شده است. روز پنجشنبه، ولادیمیر پوتین آمادگی روسیه را برای از سرگیری تماس‌های